

## آزم پارسایان

سید محمدجواد فاضلیان

در کتابهای اخلاق آمده است: «چون زلیخا، یوسف را به خلوت طلبید، بتی در آنجا بود، برخاست و پرده بر آن افکند یوسف گفت: زلیخا! چگونه تو از مراقبت یک بت بی جان شرم می کنی اما من از مراقبت پادشاه جبار حیا نکنم؟!»

یکی از ویژگی های مهمی که انسان را از رفتارهای ناپسند باز می دارد «شرمساری از دیده شدن و داوری شدن به وسیله دیگران» است. این حالت که صفتی بسیار پسندیده است حیا نامیده می شود و ضد آن وقاحت و بی شرمی است.

«الحیا و الاستحیا و هو الانقباض و الانزوا عن القبیح مخافة الذم»

حیا در مقایسه با تقوا، گستردگی بیشتری دارد زیرا تقوی، پرهیز از رفتارهای مخالف شرع است اما حیا پرهیز از سه نوع رفتار «مخالف شرع، مخالف عقل و مخالف عرف است.»

### اهمیت حیا

امام صادق (ع) فرمود: «لا ایمان لمن لاحیاء له»، «کسی که حیا نداشته باشد ایمان ندارد.» در حدیثی دیگر آمده است: «إِذَا لَمْ تَسْتَحْیَ فَاصْنَعْ مَا شِئْتُ»، «اگر حیا نداشته باشی هر کاری برایت روا است.» فرمود: «شر الناس من لایبالی ما قال و لا قیل له»، «بدترین مردم کسی است که نسبت به سخن خود و پیامدهای آن و نیز نسبت به سخنان مردم درباره ی خود بی تفاوت باشد.» در روایتی دیگر آمده است که: «خداوند بهشت را بر هر فحاش بی آبرو و کم شرمی که باکی از آنچه گوید و آنچه به او گویند ندارد، حرام کرده است.»

### حیا در قرآن

بسیاری از آیات قرآن کریم با حیا ارتباط دارند و به آن تشویق کرده اند اما در مواردی هم به طور مستقیم از کلمات هم خانواده حیا استفاده شده است.

خدا برای هدایت مردم از بیان مثال های ساده حتی حشرات حیا نمی کند.



«إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعْضُهُ فَمَا فَوْقَهَا»؛ «خداى را از اين كه به پشه‌اى يا فروتر [يا فراتر] از آن مثل زند شرم نيايد.» (سوره بقره، آيه ۲۶)

«فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ»؛  
«و وقتى غذا خورديد پراكنده شويد بى آن كه سرگرم سخنى گرديد اين [رفتار] شما پيامبر را مى‌رنجاند و [الى] از شما شرم مى‌دارد و حال آن كه خدا از حق [گويى] شرم نمى‌كند.» (سوره احزاب، آيه ۵۳)

«فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الظَّالِمِينَ»؛ «پس يكي از آن دو زن در حالى كه به آزر م گام بر مى‌داشت نزد وى آمد [و] گفت پدرم تو را مى‌طلبد تا تو را به پاداش آب‌دادن [گوسفندان] براى ما مزد دهد و چون [موسى] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حكايه كرد [وى] گفت مترس كه از گروه ستمگران نجات يافتى.» (سوره قصص، آيه ۲۵)

در آيات ۲۳-۲۵ سوره قصص كه داستان حضرت موسى و دختران شعيب بازگو شده است؛ حياى موسى و دختران شعيب، به خوبى نمايان است: ۱. چون مرد خانواده، كهنسال و ناتوان بود دختران براى انجام كار از خانه بيرون آمده بودند. «**وابونا شيخ كبير**» ۲. براى برخورد نكردن با مردان، منتظر بودند آنها بروند سپس گوسفندان را آب دهند. «**لانسقى حتى يصب الرعاء**» ۳. گفتگوى موسى با آنها بسيار کوتاه بود «**مَا خَطْبُكَمَا**» كارتان چيست؟ ۴. دختران گفتند: ما پدر داريم [بى‌سرپرست نيستيم]. «**وابونا شيخ كبير**» (سوره قصص، آيه ۲۳) ۵. دختر شعيب، موسى را از جانب پدرش دعوت كرد نه خودش يعنى در دعوت، مرد از مرد و زن از زن دعوت كند. «**ان ابى يدعوك**» ۶. راه رفتن دختر شعيب همراه با حيا و عفاف بود. «**تمشى على استحياء**» (سوره قصص، آيه ۲۵)

آیه ۲۵ در سوره نور از رفتارهای مخالف حیا مانند نگاه کردن به نامحرم، سخن گفتن تحریک‌آمیز و راه رفتن تحریک‌آمیز و آشکار کردن زینت نهی شده است.

### شرم داشتن از خدا

بالاترین شرم‌ها، شرم داشتن از خدا است که انسان را از «مهار درونی» برخوردار می‌کند و آن‌گاه که از پلیس و عسس و محتسب خبری نیست رفتار آدمی، لحظه به لحظه در کنترل است، به گفته ملک‌الشعرای بهار:

شهر ما با عسس و محتسب از دزد پر است

ای خوش آن شهر که در باطن هرکس عسسی است

بدیهی است که «عسس درونی» فرماندهی جز خدای بینا و شنوا ندارد.

هنگامی که از رسول خدا(ص) می‌پرسیدند: «کیف الحیاء من الله» فقال: «تستحی منه کما تستحی من الرجل الصالح من اهلک»، شرم از خدا چگونه است؟ فرمود: «از او چنان شرم نگاه‌داری که از نیک‌مردی آشنا و خویشاوند شرم می‌کنی.» اگر انسان بخواهد از حالت «مهار درونی» بهره‌مند باشد باید خدا را این‌گونه باور کند:

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَیْكُمْ رَقِیبًا»؛ «خدا همواره بر شما نگیهان است.» (سوره نساء، آیه ۱)

«أَلَمْ یَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ یَرِی»؛ «مگر ندانسته که خدا می‌بیند.» (سوره علق، آیه ۱۴)

«اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ»؛ «خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.» (سوره بقره، آیه ۲۳۳)

از پی آن گفت حق خود را بصیر

که بود دید وی ات هر دم نذیر

«إِنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»؛ «قطعا خدا شنوای

داناست.» (سوره بقره، آیه ۱۸۱)

از پی آن گفت حق خود را سمیع

تا ببندی لب زگفتار شنیع

از پی آن گفت حق خود را علیم

تا نیندیشی فسادی تو زبیم

متاسفانه امروزه قرار گرفتن در فضاهای

مجازی و استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای

و اینترنتی، خلوت‌هایی آلوده و ابلیسی را بر

روح و روان انسان‌ها تحمیل کرده‌اند.

اگرچه در این وضعیت انسان گمان می‌کند

که از دید و داوری مردم در امان است اما

بدیهی است که در این اوقات اهریمنان

انسی و جتی بر او چیرگی کامل دارند و



سرانجام تراکم گناه، موجب رسوایی خواهد شد.

در سخنی منسوب به امیر المؤمنین علی(ع) آمده است که: «العادات قاهرات فمن اعتاد شیئا فی سرّه و خلوته فضحه فی جهره و علانیه»؛ «عادت‌ها بر انسان چیره می‌شوند، کسی که در خلوت به رفتار ناپسندی دست بیازد [او از خدا شرم نکند] آن رفتار، او را در بین مردم رسوا و روسیاه می‌کند.»

### شرم از خویشان

امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود: «أحسن الحياء استحياءك من نفسك»؛ «زیباترین شرم‌ها، شرم تو از خویشان است.»

### حیای خدا از بندگان

- در روز قیامت مردی را می‌آورند که نامش «محمد» است. خدا به او می‌فرماید تو که هم نام حبیب من هستی از گناه شرم نکردی، اما من به خاطر نامت که نام محبوب من است از کیفر دادن تو حیا می‌کنم.  
- هنگامی که بلایی را به بدن، مال و فرزند بنده‌ام فرو می‌فرستم و او با صبری زیبا از آن استقبال می‌کند حیا می‌کنم که در روز قیامت برایش میزان اعمال قرار دهم یا کارنامه اعمالش را منتشر کنم.  
در یکی از مناجات‌های حضرت زین العابدین(ع) معروف به دعای ابوحمزه ثمالی آمده است که: خدایا با بخششت به من فرصت‌های دوباره دادی و با پرده‌پوشی‌ات عیب‌هایم را پوشاندی مانند این که از من غافل باشی! و مرا از پیامدهای گناهانم چنان دور نگه داشته‌ای که گویی از من حیا می‌کنی.

دل‌م می‌دهد گاه این نوید      که حق شرم دارد ز موی سفید  
عجب باشد ار شرم دارد ز من      که شرم نمی‌آید از خویشان!

### هشدار

در صفت «حیا» خط قرمزهایی وجود دارد که باید به آنها توجه داشت. وجود این صفت نباید برخاسته از ضعف شخصیت، عدم اعتماد به نفس، کمرویی و نادانی باشد. انسان باید بتواند با شجاعت سخن حق را بگوید، از حق خود و دیگران دفاع کند، در مقابل خواسته‌های بی‌جای دیگران «نه» بگوید و ارزش‌های والای خود را با خوشایند دیگران معامله نکند.

رسول خدا(ص) فرمود: «الحیاء حیاءان، حیاء عقل و حیاء حمق، فحیاء العقل هو العلم و حیاء الحمق هو الجهل». شرم دو قسم است: عاقلانه و احمقانه، حیای عاقلانه دانایی است و حیای احمقانه نادانی است.  
در باره ادب هم، همین سخن صادق است و نباید بر عقل، سبقت بگیرد. همچنان که امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود: «من زاد ادبه علی عقله کان کالراعی الضعیف مع الغنم الكثيره»؛ «کسی که ادبش بر عقلش پیشی بگیرد همانند چوپانی ناتوان با گوسفندان زیاد است.»